



آیت الله جوادی آملی با تأکید بر سبقت رحمت خدا بر غضب الهی تصریح می کند: ... [خداوند] فرمود: وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ؛ از باب اینکه رحمتش سابق بر غضب است، وعده را بالصراحه کند و وعید را تلویحاً و ضمناً، وگرنه سیاق اقتضا می کرد که بفرماید &#171;؛ لئن كفرتم لأعذبنكم؛ اما تعذیب را بالتلویح ذکر می کند، وعده را بالتصریح. درباره وعده بالصراحة فرمود: لئن شكرتم لأزيدنكم؛ اما درباره وعید نفرمود &#171;؛ لئن كفرتم لأعذبنكم؛ فرمود: اگر كفران نعمت كرديد من يك عذاب دردناكي دارم، اما حالا تعذیب می کنم یا نه، يك مطلب دیگر است این يك هشدار ضمینی است، اعلام خطر ضمینی است؛ نه اعلام خطر رو در رو بی و بالمطابقه. گرچه اگر هم بالمطابقه بکند (وعید بالمطابقه داشته باشد) باز خلف وعید مخالف حکمت نیست و محال نیست، گرچه خلف وعده محال است.

وی در ادامه می افزاید: ممکن است خدای سبحان وعیدی بدهد و اعمال نکند، این به جایی آسیب نمی رساند، اما خدا میعاد را (وعده را) تخلف نمی کند؛ چون عقلاً و نقلاً محال است، او خلف وعده ندارد نه خلف وعید. حالا اگر وعید کرد (تهدید کرد) فرمود: اگر این گناه را کردید. من شما را عذاب می کنم. خب. شاید نکند، شاید عفو کند اینها چه تصریحش، چه تلویحش در حد يك اعلام خطر است، ولی درباره وعده در حد يك اعلام پیمان است. محال است خدای سبحان خلف وعده بکند. اما خلف وعید هیچ استحالته ای ندارد؛ او عفو است، او رحیم است و مانند آن. لذا معمولاً وعده را بالصراحة و وعید را تلویحاً، گاهی هم بالصراحة ذکر می کند در این کریمه فرمود: وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ ، آن گاه فرمود: این شکر نعمت، نعمت را هم افزوده می کند و سعی شما هم مشكور خواهد بود.

این مفسر قرآن شکر را یکی از مظاهر حکمت توصیف کرده و می گوید: ... اگر کسی به مقام شکر برسد به نوبه خود حکیم است؛ وقتی خدای سبحان لقمان را با حکمت می ستاید که وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ ، آن گاه مسأله شکر را مطرح می کند اگر این آن اشكر تفسير حکمت باشد یعنی یکی از بارزترین مظاهر حکمت، همان شکرگزاری خدای سبحان است: وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَن اشكر لله؛ خب، شکر عبارت از &#171;؛ صرف النعمة في ما أمر به بالمنعم؛ اگر کسی الله را نشناسد که نمی تواند نعم او را در راه او صرف کند، باید الله را بشناسد، احکامش را بشناسد، حکمش را بشناسد و حلال و حرامش را بشناسد تا آن نعمت را در حلالش صرف کند، پس هم شناخت علمی لازم است، هم کار عملی تا جمعاً بشود شکر، وگرنه انسان که زبانی بگوید &#171;؛ اشكر لله؛ یا &#171;؛ الحمد لله؛ که شکر نشد. شکر آن است که نعمت را بجا صرف بکند؛ خب، تا خدا را نشناسد دینش را نشناسد، حلال و حرامش را نشناسد که نمی تواند نعمت را در جای مخصوص خود صرف کند. پس این می شود حکمت: أَن اشكر لله.

آیت الله جوادی آملی سپاسگزاری از پدر و مادر را از مصداق شکر خدا برشمرده و تأکید می کند: شکر را خدای سبحان به عنوان دستور به انسانها داد، در همین آیه 14 لقمان فرمود: وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَيَّ وَهْنًا وَفَصَّالَهُ فِي سَامِيْنٍ أَن اشكر لِي وَلِوَالِدَيْكَ، و این شکر پدر و مادر شرك نیست؛ برای اینکه خدا دستور داد ما آنها را احترام کنیم، به فرمان خدا انسان پدر و مادر را حق شناسی می کند و این امتثال فرمان خداست. اگر خدا دستور داد که ما از مجرای نعمت حق شناسی کنیم، این امتثال فرمان خداست، فرمود: أَن اشكر لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَى الْمَصِيرُ، و در حقیقت شکر پدر و مادر به فرمان خدای سبحان است و امتثال فرمان خدا، شکر خدای سبحان به شمار می آید.